

گفت‌وگو با محمد اسلامی، به مناسبت برگزاری نمایشگاه عکس

نمایشگاه توجیه اقتصادی ندارد

حواسمان به «تونی کِرگ»های شهرمان نیست



رضا شمسی

دیروز جمعه، مورخ ۲۱ اردیبهشت نمایشگاهی از عکس‌های محمد اسلامی با عنوان «کرمان من» در نگارخانه هومبر افتتاح و در این نمایشگاه از کتابی با همین عنوان نیز رونمایی شد.

ابعاد تمام عکس‌های اسلامی در این نمایشگاه بزرگ و تعداد آنها ۱۵ قطعه می‌باشد و سوزدهی آنها مکان‌های تاریخی و جاذبه‌های گردشگری استان کرمان است. این نمایشگاه تا آخر همین هفته در گالری هومبر واقع در خیابان بهمنیار- بهمنیار ۱۶ بریا و ساعات بازدید از آن هر روز از ساعت ۱۷ تا ۲۱ می‌باشد.

«کرمان من» نیز مجموعه عکس‌های محمد اسلامی است که در قالب یک کتاب نفیس ۱۷۵ صفحه‌ای به سفارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه چاپ و به آرشيو تصويری استان کرمان اضافه شده است.

عکس‌های محمد اسلامی در این کتاب علاوه بر بیان ظرفیت‌های بالای گردشگری استان کرمان به شکل مستند، تصاویری زیبا و آراسته به تکنیک را نیز به مخاطب خود نشان می‌دهد و او را مسحور رقص رنگ‌ها می‌کند. سوزده عکس‌های این کتاب هم بناهای تاریخی و جاذبه‌های گردشگری استان است.

با محمد اسلامی درباره عکس‌های کتاب و نمایشگاهش گفت‌وگو کردیم اما در مسیر گپ و گفت، مسایل مرتبط دیگری را نیز با او واکاودايم.

جناب اسلامی، قبل از هر چیز علاقه‌مندم از شما بپرسم: چرا لوکیشن همه عکس‌های نمایشگاهتان مربوط به استان کرمان است؟

برای پاسخ به این پرسش باید شما را به کتاب «کرمان من» ارجاع بدهم. این کتاب که به سفارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه و با همت آقای میرافضلی و همکارانش و پیگیری‌ها آقای نیک نفس چاپ شده، سوزده تمام عکس‌های اینبیهی تاریخی استان کرمان و جاذبه‌های گردشگری این استان است و هدفش هم شناساندن این موارد به گردشگران داخلی و خارجی و عموم علاقه‌مندان است. این مقدمه را گفتم که بگویم بعد از چاپ این کتاب از سوی دوستان به من پیشنهاد شد که هم‌زمان با رونمایی آن، یک نمایشگاه عکس نیز بگذارم. بنابراین بنده هم یک نمایشگاه

آن شب من این شانس را داشتم و این فرصت را یافته که عکس خوبی از آن موقعیت بگیرم. وقتی بپرسم که اولین منتقد آثار من است آن عکس را دید. به من گفت: فضای این عکس، مثل فیلمهای تیمبرتون است و بعد از او هم هرکه آن عکس را دید از فضای مرموز و عجیب آن گفت.

در کل می‌خواهم در پاسخ به سوال شما تاکید کنم که این عکس‌ها محصول یادگرفتن‌ها، ممارست و تجربه و مقداری هم شانس هستند، اما اگر از من بپرسید فرمول کار چیست؟ حقیقتا چیزی ندارم به شما بگویم. تنها می‌دانم باید انقدر بروی و بیایی و ممارست کنی و یادگیری تا آن لحظه قطعی که «کارتی برس» می‌گویی به وجود بیاید که البته درصدی هم محتمل است که به وجود نیاید! البته نمی‌توانم پیشرفت تکنولوژی و نرم‌افزاری را در ارتقای سطح کیفی عکس‌های خود نیز نادیده بگیرم.

آیا برای استفاده از تکنولوژی و امکانات دیجیتال و نرم‌افزاری حدی هم قابل هستید؟

بله، باور پذیری، باورپذیری عکس برام مهم است. با بعضی از دوستان جوان و کم‌تجربیه خود که بیش از اندازه به تکنولوژی و امکانات دیجیتالی و نرم‌افزاری نظیر استفاده از فتوشاپ پناه می‌برند و فکر می‌کنند به رخ کشیدن این‌ها خوب است، موافق نیستم. امکانات نسخه‌های متعدد فتوشاپ، افترافکت، تری مکس و وله‌هایی که هر روزه از راه می‌رسند، بی‌نیاهت است و دست همه نیز برای استفاده از آنها باز است اما مهم است

مشکل از چند عکس مربوط به استان کرمان را تعریف کردم و به کمک دوستان مراسم افتتاح این نمایشگاه را با مراسم رونمایی کتاب تلفیق کردیم و نتیجه آن شد که شما دیدید. **یعنی عکس‌های نمایشگاه از بین عکس‌های چاپ شده در کتاب انتخاب شده‌اند؟**

همه عکس‌ها خیر؛ تعدادی را از کتاب، و تعداد دیگری را از عکس‌های دیگرم انتخاب کرده‌ام. «کرمان من» از زمانی که موضوع آن طرح شد تا به مرحله چاپ و انتشار رسید، سه سال زمان برد. اما علاقه‌ی من به کرمان و عکاسی از مناظر طبیعی و مکان‌های زیبای آن نزدیک به ۲۰ سال قدمت دارد. کما اینکه یکی از عکس‌های نمایشگاه که شما دیدید در حدود ۲۷ یا ۲۸ سال قبل با دوربین آنالوگ گرفته شده است. رونمایی از این کتاب و افتتاح نمایشگاه، در حقیقت ۲ اتفاق با یک رویداد و موضوع مشترک است.

به عکس‌های شما که نگاه می‌کنم، آنچه توجهم را در وهله اول برمی‌انگیزد، کمپوزیسیون خوب و رقص زیبای رنگ‌ها است که تصویر را از ثبت و ضبط واقعیت فراتر می‌برد و به تابلوی نقاشی نزدیک می‌کند؛ علاقه‌مندم بدانم چرا تنها به ثبت واقعیت بسنده نمی‌کنید؟

بیینست، ثبت واقعیت که اتفاق مهمی نیست، الان همه دارند با بهترین گوشی‌ها همین کار را می‌کنند. جایی خواندم که در دنیای کنونی

با آنها مانوس و دمخور باشی تا به تو یک تصویر خوب هدیه دهند. به عنوان مثال: یکی از شب‌هایی که در باغ شازده بودم، بخشی از چراغ‌های باغ خاموش شده بود و فضای وهم‌انگیز و رعب‌آلودی را به وجود آورده بود. در

که باید مدام یادگرفت و تجربه کرد و در نهایت کاربند شد. **تأیید اسلامی چرا بیشتر بر تصاویر طبیعی و بناهای تاریخی متمرکز هستید؟**

اینکه می‌گویید بر این دو حوزه

متمرکز هستم. می‌پذیرم اما من در زانرهای دیگر هم تجربیات متعددی دارم. عکس اجتماعی زیاد کار کرده‌ام، برتره زیاد دارم که شاید کمتر دیده شده‌اند. اما اینکه چرا بر اینبه و مناظر طبیعی استان کرمان تمرکز کرده‌ام؛ خوب به این دلیل که اولاً طبیعت را خیلی دوست دارم و بخش زیادی از اوقاتم در طبیعت می‌گذرد و دوستایی هم دارم که اهل طبیعت‌گردی هستند و بنابراین فرصت عکاسی از این مناظر را زیاد پیدا می‌کنم.

و ثانیاً کرمان را هم خیلی دوست دارم و معتقدم این استان عجیب تمام ناشدنی است و من هر بار به هر جای این استان می‌روم، عکس‌های دیگری به عکس‌های قبلی‌ام اضافه می‌شود. جالب است بگویم که اگرچه فیلم‌سازی و عکاسی هنرهای بسیار گرانی هستند اما بنده حتی اگر پول هم داشتم، از این استان بیرون نمی‌رفتم، می‌دانید که حرفه‌ی اصلی من فیلم‌سازی است و فیلم‌های من هم در کرمان ساخته شده‌اند. اما به دلیل اینکه چندساله است امکان ساخت فیلم نیست، بیشتر بر عکاسی متمرکز شده‌ام.

من می‌دانم که شما هنرمند پر کاری هستید، اما اگر از فضای مجازی فاکتور بگیریم، به نظر می‌رسد در حد تولیدات خود نمایشگاه نمی‌گذارید، دلیلش چیست؟

مهمترین دلیل بی‌انگیزگی اما چرا این بی‌انگیزگی بر ما مستولی شده، خود دلایل متعددی دارد که مهمترینش اقتصاد است. اشاره کردم که فیلم و عکس هنر گران و پر هزینه‌ای است و در استان ما هم شرایط حرفه‌ای

تکرار می‌کنم: فیلم‌سازی و عکاسی در میان هنرها از همه گران‌تر هستند و فرایند تولید اثر در این دو حوزه بسیار هزینه‌بر است. از هزینه آموزش که بگذریم، دوربین و لنز خوب و پیشرفته لازم دارد و وقت زیادی می‌برد. یعنی شما باید کلی وقت صرف کنی تا یک عکس مطلوب دربیاید.

این بی‌انگیزگی بر ما مستولی شده، خود دلایل متعددی دارد که مهمترینش اقتصاد است. اشاره کردم که فیلم و عکس هنر گران و پر هزینه‌ای است و در استان ما هم شرایط حرفه‌ای تکرار می‌کنم: فیلم‌سازی و عکاسی در میان هنرها از همه گران‌تر هستند و فرایند تولید اثر در این دو حوزه بسیار هزینه‌بر است. از هزینه آموزش که بگذریم، دوربین و لنز خوب و پیشرفته لازم دارد و وقت زیادی می‌برد. یعنی شما باید کلی وقت صرف کنی تا یک عکس مطلوب دربیاید.

اما تنها بخش عکاسی که هزینه‌هایش جبران می‌شود، عکس‌برداری آنلاین است. در کرمان تعداد چند صد آنلاینه هست که با مجوز یا بدون مجوز، مشغول کار هستند و بیشترشان هم از روی دست هم کپی می‌کنند و گردش پولی هم اگر باشد، همانجا است. اما اقتصادعکاسی هنری بی‌حالا در کرمان است.

در چنین شرایطی هنرمند باید به مردم معرفی شوند تا مردم از هنر و هنرمند جامعه‌ی خود حمایت کنند. اینجا است که باید هنرمند برند بشود تا مردم او را بشناسند و بایبند به خاطر اسمش پول بدهند. ما مشکل‌مان مخصوصاً در کرمان برندسازی است. هنرمندان ما در بین مردم شناخته شده نیستند، امضای آنها معروف نیست و در نتیجه آثارشان هم بازار ندارد. بخش عمده‌ای از این معرفی به عهده‌ی مطبوعات است، به همین دلیل من به‌شخصه از کسی مثل شما که صاحب قلم و اندیشه هستید، انتظار دارم. هنرمندانی را که فکر می‌کنید آثارشان به درجه‌ای رسیده‌اند که قابل توجه هستند، به جامعه معرفی و آنها را نقد کنید.

بخش بسیار مهم دیگر برای معرفی هنرمندان هم وظیفه‌ی صدا و سیما به عنوان یک رسانه‌ی ملی است که متأسفانه بی‌هیچ دلیل منطقی از آن برهیز می‌کند.

دوست دارم در این بخش یک مثال بزنم و اهمیت برند بودن را گوشزد کنم: الان همین «تونی کِرگ» که نمایشگاه آثارش در موزه شهر ما برپا است و به با سلام و صلوات هم آمده است و به مناسبت حضورش در کرمان ضیافت شام هم برپا شده است و آثارش هم یک میلیون و خورده‌ای بیمه شده است، جز این است که یک برند جهانی است! سوء تفاهم نشود، خیلی خوب است که آثار تونی کِرگ در شهر من نشان داده می‌شود و موجب می‌شود ما هنر روز دنیا را ببینیم، اما مشکل اینجا است که حواس‌مان به تونی کِرگ‌های شهرمان نیست. درد اینجا است که حواس‌مان به هنرمندان و نویسندگان و شاعران شهرمان نیست و خیلی‌ها مان نمی‌دانیم که چه سرمایه‌هایی در گمانی‌مانده‌اند و ندیده گرفته شده‌اند و بسا که عمرشان هم به پایان برسد و هیچ اتفاقی برای آنها نیفتد.

به نظرتان در چنین شرایطی از عهده‌ی یک هنرمند چه برمی‌آید؟

هنرمند باید اثر خوب تولید کند، که اگر هنرمند باشد، خودبه‌خود همین کار را می‌کند. در شرایط جابرفرا هم دست از کار و آفرینش نمی‌کشد و اثر خود را تولید می‌کند و دمی از یادگرفتن و تجربه و خلاقیت دست نمی‌کشد.

بگذارید جشنواره موسیقی نواحی را از کرمان ببرند!

اسما پورزنگی آبادی

دو هفته پیش، کرمان، میزبان برگزاری یازدهمین دوره از جشنواره موسیقی نواحی کشور بود که در جریان برگزاری آن، طی چهار روز، هنرمندانی از نسل‌های قدیم و جدید موسیقی مقامی از استان‌های مختلف به کرمان آمدند و برنامه‌های متعددی اجرا کردند.

همکار ارجمندم آقای رضا شمسی در شماره‌ی پیش نشریه خطاب به اساتید محترم خواست‌های مطرح کردند و آن این بود که نگذارند جشنواره را که زادگاه و خاستگاه آن کرمان بوده از اینجا ببرند چرا که زرمه‌هایی در این باره شنیده می‌شود که برگزار کنندگان گفت‌اند استان‌های زیادی خواهان برگزاری این جشنواره هستند و از همین رو، ممکن است تصمیم دیگری گرفته شود.

من با احترام به دیدگاه همکار ارجمندم و با قدرتی از کوشش‌های فراوان مقامات استان و اداره کل فرهنگ و دیگر افرادی که هر ساله از دل و جان مایه می‌گذارند تا این جشنواره را اجرا کنند نظری مخالف این دارم و با وجود این که گفتنش برام دشوار است می‌گویم: بگذارید جشنواره را از کرمان ببرند!

وقتی جشنواره‌ای با این درجه از ارزش و اهمیت به کرمان می‌آید باید به‌بنیال آن تکاپویی نیز در بخش‌های مختلف ایجاد شود و ما دستاوردهایی از آن حاصل کنیم. می‌خواهم بدانم خروجی این جشنواره برای بخش‌های مختلف استان از جمله گردشگری چه بوده است؟ آیا جز این بوده که هر دوره با برگزاری آیین اختتامیه و خاموشی صدای سازها، پرونده بسته و بایگانی می‌شود تا سال بعد؟

چرا نباید چنین جشنواره‌ای بر فضای فرهنگی و هنری و اقتصادی استان تأثیری درازمدت برجای بگذارد؟ در همین چهار روز می‌شد به بهانه‌ی جشنواره تورهایی از گردشگران خارجی و گردشگرانی از دیگر نقاط کشور را به استان کشاند و حتی هر سال برای جشنواره‌ی سال بعدی نیز تورهایی را رزرو کرد. می‌توان بر دوش این جشنواره نشست و کار را به آنجا رساند که کنسرت گروه‌های مقامی در کرمان در طول سال برگزار شود و از این بابت، استان به یک برند دست یابد و در ادامه می‌توان از همکاری گروه‌ها و هنرمندان کشورهای همسایه که اشتراکات فرهنگی فراوانی هم داریم نیز استفاده کرد و به این جشنواره وجهه‌ی بین‌المللی بخشید. کارهای زیادی می‌توان انجام داد؛ این نهایی که در دهه‌ی هفتاد گذشته شده اکنون به درختی تبدیل شده که ثمر می‌دهد. تیر بردارید و تنه‌اش را بزنید تا میوه‌ها آفت نزنند و بر خاک بریزد و فاسد شود. این چه رسمی است که هر ساله گروهی با هزار گرفتاری و زحمت این برنامه‌ی به این عظمت را مدیریت و اجرا کنند و بعد دیگران فقط می‌نشینند به تماشا؟ ایراد کار از کجاست؟

چرا هرکسی راه خودش را می‌رود؟ تکیه و تاکید و مخاطب من در این باره متولیان و فعالان بخش گردشگری استان است و حتماً دیگر بخش‌ها نیز می‌توانند از رویدادهای برطرف‌داری در حد و اندازه‌ی جشنواره‌ی موسیقی نواحی بهره ببرند. ما در استان، طی سالیان متمادی از برگزاری رویدادهایی این چنینی شکست‌های متفضحانه‌ای را تجربه کرده‌ایم؛ از جشنواره‌ی خرما و پسته گرفته تا گلاب‌گیری لاله‌زار؛ از آنچه در این استان رخ می‌دهد بهانه برای رنج خوردن فراوان است. بگذارید جشنواره موسیقی نواحی را هم ببرند. این هم زحمی تازه بر زخم‌های کهنه‌ی قدیمی.

همزمان با ۱۳ شهر دیگر در کرمان؛ ۱۲ فیلم و ۴ نشست تخصصی

گروه فرهنگ و هنر - دیروز، جمعه مورخ ۲۱ اردیبهشت ماه جاری در تماشخانه هتل پارس کرمان «جشنواره سیاره، اتاق روشن» همزمان با تهران و ۱۲ شهر دیگر افتتاح شد. این جشنواره تا آخر هفته در کرمان با نمایش ۱۲ فیلم همراه است. مدیر تماشخانه پارس در توضیح روند برگزاری این جشنواره و زمان نمایش فیلم‌های آن به استقامت گفت: «هر روز ۲ سانس آکران فیلم داریم که سانس نخست آن ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه و سانس دوم آن ساعت ۱۷ و ۵۱۷ و ۲۲ دقیقه خواهد بود.» آبان ملک محمدی افزود: «از شنبه ۲۲ اردیبهشت چهار پتل تخصصی نیز برگزار خواهیم کرد که موضوع کلی آنها نیز معماری و شهرسازی خواهد بود.»

او از نما جهان بین، رضا ناصری، شهریار رضایی و محمد یاسر موسی‌پور به عنوان سخنرانان این نشست‌های تخصصی یاد کرد که به ترتیب در روزهای شنبه دوشنبه سه شنبه و چهارشنبه از ساعت ۱۰ الی ۱۲ در تماشخانه پارس به ارائه سخنرانی می‌پردازند. ملک محمدی گفت: نما جهان بین با موضوع «شهر امروز پدیده‌ای اجتماعی با کارکردی ضد اجتماعی»، «رضا ناصری با موضوع «کالایی شدن شهر و کنش بازتولید فضا»، شهریار رضایی با موضوع «هنر خاج از گالری» و محمد یاسر موسی‌پور با موضوع «شهرسازی پس از عصر برنامه‌ریزی» به ایراد سخنرانی و طرح نقطه نظرات خود خواهند پرداخت. گفتنی است این جشنواره را موزه هنرهای معاصر تهران، و در کرمان با همکاری موسسه‌ی «هنری و ادبی شاخه و سپاس» و «کانون شهروندی کرمان» برگزار می‌کند. همچنین شورای سیاستگذاری این جشنواره در کرمان متشکل از بابک ذبیقی، سلمان جهرمی، آبان ملک محمدی، رسول موسی‌پور و هادی مهدوی می‌باشد.

همچنین یادآور می‌شود کانون «معماری و شهر» موزه هنرهای معاصر تهران در مقام برگزار کننده این جشنواره که برای حدود سه سال در موزه هنرهای معاصر تهران در قلب تهران برپا بود، در آخرین روزهای اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷ طی رویدادی هماهنگ به میزبانی چهارده شهر از سراسر ایران پا از خانه‌ی همیشگی خود فراتر گذاشت تا در کسترده‌ای وسیع‌تر امکانی برای تماشای تصاویر و تجربه‌های متنوع پیرامون موضوع معماری و شهر فراهم آورد؛ این ۱۴ شهر عبارتند از: اصفهان، ازنلی، اهواز، بروجرد، تهران، تبریز، رشت، ساری، شاهرود، قزو، قم، کرج، کرمان، لارستان و مشهد.

این جشنواره بر اساس بیانییه‌ی دبیرخانه‌اش، قصد دارد تصویری واضح از شهرها، معماری و به طور کلی محیط‌های انسان‌ساخت بازتاباند.

همزمان با افتتاح نمایشگاه عکس محمد اسلامی در گالری هنر؛ از کتاب «کرمان من» رونمایی شد

گروه فرهنگ‌و-هنر- نمایشگاه عکس محمد اسلامی که دیروز جمعه افتتاح شد، تا آخر این هفته در گالری «هومبر» واقع در خیابان بهمنیار- بهمنیار ۱۶ بریا و ساعات بازدید از آن هر روز از ساعت ۱۷ تا ۲۱ می‌باشد.

«کرمان من» نیز مجموعه عکس‌های محمد اسلامی است که در قالب یک کتاب نفیس ۱۷۵ صفحه‌ای به سفارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه چاپ و به آرشيو تصويری استان کرمان اضافه شده است. عکس‌های محمد اسلامی در این کتاب علاوه بر بیان ظرفیت‌های بالای گردشگری استان کرمان به شکل مستند، تصاویری زیبا و آراسته به تکنیک را نیز به مخاطب خود نشان می‌دهد.

پس در کل با استفاده از ادیت عکس موافق هستید؟

بله، حتماً. اما ادیت یا استفاده از فتوشاپ و امثالهم می‌تواند عکس را نجات بدهد یا بکشد. درست حکایت یک نقطه است که جای قرار گرفتنش نابینا یا بالا می‌تواند سرنوشته «شود» یا «نشود» را رقم بزند. من خیلی وقت‌ها برای توضیح این بحث می‌پرسم: آیا زعفران خوب است؟ یا لادنریدید پاسخ مثبت است، اما عقل و تجربه‌ی سلیم تأیید می‌کند که همین زعفران بسته به این که در چه غذایی و با چه میزان استفاده شود خوب است و در غیر اینصورت به ضد خود تبدیل می‌شود.

رسیدن به این نقطه مطلوب چگونه ممکن است؟

همانطور که گفتم واقعا نمی‌توانم فرمولی برای آن ارائه کنم اما می‌دانم



که باید مدام یادگرفت و تجربه کرد و در نهایت کاربند شد. **تأیید اسلامی چرا بیشتر بر تصاویر طبیعی و بناهای تاریخی متمرکز هستید؟**

اینکه می‌گویید بر این دو حوزه